

در هشتاد و سومین جلسه از سلسله مباحث «ولایت فقیه»، عنوان شد:

تولیت حرم مطهر شاهچراغ علیه السلام: الگوی نظام سیاسی اسلام برای اداره جامعه، نظام ولایت و امامت است

روز پنج شنبه، ۸ آذر ۱۴۰۳، حجت الاسلام و المسلمین ابراهیم کلانتری، تولیت حرم مطهر حضرت احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ علیه السلام، در جلسه هشتاد و سوم «جهاد تبیین» و شصتم از سلسله مباحث «ولایت فقیه»، که در سالن شهید آیت الله دستغیب برگزار گردید، به ادامه بررسی موضوع «آثار توحید در ذهن و زندگی فردی و اجتماعی انسان» پرداخت.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، کلانتری در ابتدای این جلسه اظهار کرد: با تشریح اصل توحید به عنوان اساس جهان بینی قرآن و ستون فقرات اسلام ناب محمدی (ص) و آن عمودی که خیمه اسلام بر روی آن برپا شده، این نتیجه به دست می‌آید که جریان یافتن روح توحید در نظام سیاسی جامعه اسلامی به این است که مدیریت و سگان اصلی جامعه در دست انسان‌هایی قرار گیرد که افزون بر همه شایستگی‌های اخلاقی و علمی و عملی، از اذن خداوند به عنوان ولی و حاکم اصلی بر هستی، برای اعمال قدرت و به اجرا گذاشتن دستورالعمل‌های سیاسی، اجتماعی اسلام در متن جامعه برخوردار باشند. این زیر ساخت تمام اصول از جمله ولایت رسول الله و ولایت فقیه در عصر غیبت است. با وجود چنین اذنی، ولی و امام مشروع جامعه مشخص می‌شود و ولایتش در طول ولایت خداوند و به تعبیری مجرا و مظهر ولایت خداوند در جامعه خواهد بود.

وی در ادامه به سخنی از رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، پیرامون توحید و نقش آن در زندگی اجتماعی و حکومت اشاره کرد و گفت: معظم له در تشریح این اصل مهم می‌فرماید: «ما به خیالمان می‌آید که توحید یک چیزی است که فقط در مغزمان بایستی روشن کنیم، مسلم کنیم؛ به زندگی که رسیدیم، این توحید در زندگی دیگر هیچ اثری ندارد؛ اگر هم اثر داشته باشد، در زندگی شخصی‌ست، در زندگی اجتماعی نیست.

بنده موحد هم که باشم، همان سرمایه و همان اتومبیل و همان شرکت و همان کارخانه و همان وضع رابطه با کارگر و همان وضع رابطه با زمین را خواهم داشت که اگر موحد نمی‌بودم. شما ببینید در کشورهای سرمایه‌داری عالم، در این قدرت‌های عظیمی که نامشان و آوازه‌شان شرق و غرب را پر کرده، دو نفر آدم سرمایه‌دار را، دو تا تاجر بزرگ را، دو تا کارخانه‌دار بزرگ را، دو تا از این سلطان‌های صنایع را به قول خودشان، در نظر بگیرید، یکی را فرض کنید معتقد است به خدا، یکی را مادی؛ در رفتار اینها چه تفاوتی هست؟ حالا اگر چنانچه آن کسی که معتقد به خداست، روز یکشنبه رفت به کلیسا و چند شاهی پول هم به آن راهب بدبخت نگون بخت آنجا داد، که یک مقدار از گناهانش را برایش ببخشد، جاده بهشت را چند کیلومتری برایش هموار و صاف کند، اما تأثیرش در زندگی او چیست؟ در وضع کارخانه او؟ در روابط او با کارگر؟ در روابط او با مردم؟ در کیفیت ثروت اندوزی، در خرج ثروت، در جمع ثروت چه تأثیری می‌گذارد؟ این توحید با شرک تفاوت چندانی ندارد. آن توحیدی که اسلام به آن دعوت می‌کند، توحیدی است بالاتر از حد یک پاسخ به یک سؤال، به یک استفهام. پس چیست؟ توحید اسلامی الهامی‌ست در زمینه حکومت، در زمینه روابط اجتماعی، در زمینه سیر جامعه، در زمینه هدف‌های جامعه، در زمینه تکالیف مردم، در زمینه مسئولیت‌هایی که انسان‌ها در مقابل خدا، در مقابل یکدیگر، در مقابل جامعه و در مقابل پدیده‌های دیگر عالم دارا هستند، توحید این است». (امام خامنه‌ای (دام‌ظله)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، صص ۲۰۸ و ۲۰۹).

رئیس انجمن علمی انقلاب اسلامی، اظهار کرد: این سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مربوط به سال ۱۳۵۳ در زمان حکومت طاغوت است و صحبت‌های ایشان در آن مقطع زمانی باعث اذیت، رنجش و زندانی شدن ایشان شد. «توحید در اسلام یک اصل به هم پیوسته می‌باشد و همه وجوه زندگی انسان را در بر می‌گیرد، از حیات و ممات و تجارت و سیاست گرفته تا تمامی کارهای روزمره. توحید اسلامی همان «آلفی» است که بعدش «ب» می‌آید و «پ» می‌آید و «ج» می‌آید، تا «ح» می‌آید. این جور نیست که بگویی خدا یک است و دو نیست و تمام بشود قضیه. خدا یک است، و دو نیست، معنایش این است که در تمام منطقه وجود خودت شخصا و جامعه‌ات عموماً، جز خدا کسی حق فرمانروایی ندارد» (امام خامنه‌ای (دام‌ظله)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۲۰۷).

وی خاطر نشان کرد: ما باید اصل توحید را هم در روابط شخصی خودمان با خداوند از جمله در نماز، روزه و ... و هم در متن جامعه و زندگی اجتماعی به کار ببریم؛ توحید باید در همه بخش‌های زندگی ما حضور داشته باشد. اگر مسئولیتی داریم، حق نداریم ظلم کنیم. اگر پست و مقام برای ما به یک طعمه تبدیل شد و مترصد و امیدوار شدیم که از این طریق به آرزو و آمال باطل خود دست پیدا کنیم، این مصداق شرک می‌شود.

عضو هیأت علمی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران، تصریح کرد: با دقت در آنچه گذشت، به این نتیجه بدیهی دست می‌یابیم که جامعه توحیدی نمی‌تواند در رأس خود، یعنی آنجا که همه سیاست‌ها، تصمیم‌ها و قوانین و دستورالعمل‌های اجتماعی‌اش تدوین و نهایی می‌شود و به مرحله اجرا می‌رسد ساختاری غیر توحیدی، یعنی منهای خدا داشته باشد.

رئیس انجمن علمی انقلاب اسلامی، گفت: «نظام ولایت و امامت» که الگوی نظام سیاسی اسلام برای اداره جامعه اسلامی است، در حقیقت تضمین کننده جریان یافتن اصل توحید در متن جامعه اسلامی، و به عبارتی حلقه اتصال جامعه مؤمنان با خدای یگانه و شاهره مطمئن جریان یافتن اصل توحید در زوایای درهم تنیده جامعه اسلامی است. بدون تردید، هیچ‌یک از الگوهای مطرح از نظام‌های سیاسی قدیم و جدید آنگاه که به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، نه فقط نمی‌توانند ضامن جریان اصل توحید در زوایای جامعه اسلامی باشند که به نهادینه شدن مظاهری از شرک در جامعه نیز منتهی خواهند شد.

وی اظهار کرد: حتی اگر در یک کشور، صد درصد مردم به یک نفر رای بدهند و او را انتخاب بکنند - که در واقعیت هیچگاه چنین اتفاقی پیش نمی‌آید – این تنها نشان‌دهنده مقبولیت عمومی آن شخصی است و نه الزاماً مشروعیت او. مشروعیت الهی و حق صدور رأی، زمانی حاصل می‌شود که

اذن خداوند وجود داشته باشد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) قبل از اینکه به رسالت مبعوث شوند، قطعاً یک انسان موحد، امین و از تمامی جهات بی‌همتا بوده‌اند، ولی باز حق تصرف نداشتند تا زمانی که به پیامبری مبعوث شدند و چنین اذنی از طرف خداوند به ایشان عطا شد و ولایت ایشان مشروعیت پیدا کرد.

این استاد حوزه و دانشگاه، با بیان اینکه نظام‌های سیاسی جدید، بر خلاف نظام‌های سیاسی قدیمی، بسیار پیچیده هستند، گفت: گاهی یک مسئله به ظاهر کوچک، زمانی که به دست کارشناسان مربوطه تجزیه و تحلیل می‌شود صدها مسئله از دل آن بیرون کشیده می‌شود. اگر بخواهیم جهت توحیدی در تمام این مسائل لحاظ بشود، فقط با اصل ولایت، ممکن است، یعنی باید آن اذن الهی وجود داشته باشد و باید کسی حضور داشته باشد که دائماً مسائل را رصد کند و این اطمینان را بدهد که این حکم «الله» است.

وی ادامه داد: به عنوان مثال در بحث شبیه‌سازی که امروزه مطرح می‌باشد و کشور ما هم در این حوزه، جزو کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود - و البته مشخص هم نیست که در جهان تاکنون علاوه بر حیوان آیا در مورد انسان نیز شبیه‌سازی صورت گرفته یا خیر - اگر فرض کنیم که یک روزی شبیه‌سازی انسان صورت بگیرد، آیا این کار از نظر اسلام مجاز می‌باشد؟ برخی متفکرین اسلامی راجع به این موضوع، ده‌ها مسئله شرعی بیرون آورده‌اند؛ از مسائل مرتبط با محرمت گرفته تا ارث و بسیاری مسائل دیگر. حال مشابه این موضوع را وارد اقتصاد کنیم، اینقدر تجارت در دنیای جدید پیچیده و گسترده شده است که باید تمام ابعاد آن را حکومت اسلامی بررسی و در مورد آن، قوانین منطبق با اصل توحید وضع کند. و هزاران مسئله دیگر در حوزه‌های گوناگون. امروزه حکومت‌داری به مراتب پیچیده‌تر از گذشته است و هزاران هزار مسئله وجود دارد که حکومت متولی آن است.

رئیس انجمن علمی انقلاب اسلامی، گفت: «نظام ولایت و امامت» که الگوی نظام سیاسی اسلام برای اداره جامعه اسلامی است، در حقیقت تضمین‌کننده جریان یافتن اصل توحید در متن جامعه اسلامی، و به عبارتی حلقه اتصال جامعه مؤمنان با خدای یگانه و شاهره مطمئن جریان یافتن اصل توحید در زوایای درهم تنیده جامعه اسلامی است. بدون تردید، هیچ‌یک از الگوهای مطرح از نظام‌های سیاسی قدیم و جدید آنگاه که به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، نه فقط نمی‌توانند ضامن جریان اصل توحید در زوایای جامعه اسلامی باشند که به نهادینه شدن مظاهری از شرک در جامعه نیز منتهی خواهند شد.

وی اظهار کرد: حتی اگر در یک کشور، صد درصد مردم به یک نفر رای بدهند و او را انتخاب بکنند - که در واقعیت هیچگاه چنین اتفاقی پیش نمی‌آید – این تنها نشان‌دهنده مقبولیت عمومی آن شخصی است و نه الزاماً مشروعیت او. مشروعیت الهی و حق صدور رأی، زمانی حاصل می‌شود که اذن خداوند وجود داشته باشد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) قبل از اینکه به رسالت مبعوث شوند، قطعاً یک انسان موحد، امین و از تمامی جهات بی‌همتا بوده‌اند، ولی باز حق تصرف نداشتند تا زمانی که به پیامبری مبعوث شدند و چنین اذنی از طرف خداوند به ایشان عطا شد و ولایت ایشان مشروعیت پیدا کرد.

این استاد حوزه و دانشگاه، با بیان اینکه نظام‌های سیاسی جدید، بر خلاف نظام‌های سیاسی قدیمی، بسیار پیچیده هستند، گفت: گاهی یک مسئله به ظاهر کوچک، زمانی که به دست کارشناسان مربوطه تجزیه و تحلیل می‌شود صدها مسئله از دل آن بیرون کشیده می‌شود. اگر بخواهیم جهت توحیدی در تمام این مسائل لحاظ بشود، فقط با اصل ولایت، ممکن است، یعنی باید آن اذن الهی وجود داشته باشد و باید کسی حضور داشته باشد که دائماً مسائل را رصد کند و این اطمینان را بدهد که این حکم «الله» است.

وی ادامه داد: به عنوان مثال در بحث شبیه‌سازی که امروزه مطرح می‌باشد و کشور ما هم در این حوزه، جزو کشورهای پیشرفته محسوب می‌شود - و البته مشخص هم نیست که در جهان تاکنون علاوه بر حیوان آیا در مورد انسان نیز شبیه‌سازی صورت گرفته یا خیر - اگر فرض کنیم که یک روزی شبیه‌سازی انسان صورت بگیرد، آیا این کار از نظر اسلام مجاز می‌باشد؟ برخی متفکرین اسلامی راجع به این موضوع، ده‌ها مسئله شرعی بیرون آورده‌اند؛ از مسائل مرتبط با محرمت گرفته تا ارث و بسیاری مسائل دیگر. حال مشابه این موضوع را وارد اقتصاد کنیم، اینقدر تجارت در دنیای جدید پیچیده و گسترده شده است که باید تمام ابعاد آن را حکومت اسلامی بررسی و در مورد آن، قوانین منطبق با اصل توحید وضع کند. و هزاران مسئله دیگر در حوزه‌های گوناگون. امروزه حکومت‌داری به مراتب پیچیده‌تر از گذشته است و هزاران هزار مسئله وجود دارد که حکومت متولی آن است.

تولیت حرم مطهر با بیان اینکه توحید به سایر اصول و فروع، اصالت و مفهوم می‌دهد، گفت: در موضوع معاد یعنی بازگشت تمام مخلوقات به سمت خدا در جهانی که ظرفیت این موضوع را داشته باشد، اگر ما خدا را حذف کنیم که دیگر هیچ مفهومی وجود ندارد و این یعنی سرگردانی موجودات عالم. اگر توحید را از عرصه اداره جامعه حذف کنیم، یعنی دیگر فرقی بین جامعه توحیدی و مشرک وجود ندارد و در واقع از یک بخش عمده حیات بشر، توحید حذف شده است.

وی اضافه کرد: نتیجه «نُؤْمِنُ بَعْضٌ وَنُكْفِرُ بَعْضٌ»؛ کفر می‌شود؛ خودشان فکر می‌کنند که یک بخشی را قبول دارند و یک بخشی را نه، اما واقعیت این است که هیچ چیز را قبول ندارند، زیرا اگر خدا را قبول داشتند باید رسول او را هم قبول داشته باشند. خودشان فکر می‌کنند که یک راه سومی را انتخاب کرده‌اند که در واقع اینگونه نیست و امکان پذیر هم نیست، این راه سوم همان کفر به خدا و رسول است. مگر می‌شود که کسی ادعا بکند که تا حدی توحید را قبول دارم و از یک حدی به بعد آن را قبول ندارم! توحید به معنی واقعی کلمه تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی را پوشش می‌دهد. آن بخشی که آسان است را قبول دارید و آن بخشی را که سخت و مشکل است را قبول ندارید؟! انسانی که مسائل فردی اسلام را قبول دارد اما می‌گوید در مسائل اجتماعی نباید اسلام را دخالت داد، این به تعبیر قرآن می‌شود یک بخشی ایمان و توحید و یک بخشی هم کفر و شرک. در این صورت، فرد گرفتار شرک اجتماعی شده است و قطعاً در شمار مشرکان قرار می‌گیرد.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، در ادامه به ابعاد وجودی انسان اشاره کرد و گفت: به سوال «معیار موحد بودن یک فرد»، به شکل دیگری نیز می‌توان پاسخ داد؛ انسان بلحاظ ساختار وجودی دارای سه بُعد متمایز است؛ بُعد شناختی، بُعد گرایشی؛ و بُعد رفتاری. انسان با بُعد شناختی خود است که به شناخت و درک واقعیت‌ها دست می‌یابد. هرگونه شناخت و آگاهی که یک انسان از جهان، اشیاء و خود دارد، همه و همه مربوط به همین بُعد وجودی انسان است که بلحاظ فیزیکی مربوط به ذهن و مغز انسان است. قدرت تعلّم، قدرت تفکر، قدرت انتزاع، استنتاج و حلّ مسأله و بخشی از قدرت تعقل -

یعنی شناخت‌هایی محصول عقل ناب - که خداوند به انسان داده است، عهده‌دار تکمیل همین بعد از ابعاد وجودی انسانند. انسان با بُعد گرایشی خود قادر می‌شود باورهای خود را به سامان برساند و از باورهای غلط دور شود. قلب و به تعبیر قرآن فؤاد، نفس ناطقه و بخشی از تعقل یعنی آن بخش از عقل خدادادی که انسان را از فرو افتادن در دام گناه باز می‌دارد، عهده‌دار این بُعد از ابعاد وجودی انسان هستند. بُعد رفتاری انسان به او این امکان را می‌دهد که کلیه افعال و رفتارها و کنش‌ها و واکنش‌های خود را به سامان برساند و از رفتارهای غلط دوری کند. قرار دادن قدرت تصمیم، عزم، اراده، حرکت، تلاش و استقامت و اقدام در وجود انسان مربوط به همین بُعد وجودی انسان است. اعضاء و جوارح ما مانند دست و پا و زبان و چشم و ... در خدمت این بعد از ابعاد وجودی ما هستند.

کلانتری تصریح کرد: حقیقت توحید آنگاه در وجود انسان به ظهور می‌رسد که در همه ابعاد سه‌گانه وجودی انسان رسوخ یابد، یعنی هم شناخت‌ها توحیدی شوند [= شناخت‌های توحیدی]، هم گرایش‌ها توحیدی شوند [= باورهای توحیدی] و هم اعمال و رفتار انسان توحیدی شوند [= افعال توحیدی]. اصلی‌ترین وجه تمایز انسان از سایر موجودات دیگر، در قرار دادن همین ابعاد سه‌گانه، آن هم در عالی‌ترین سطح و به صورت همزمان و مرتبط باهم در وجود اوست. اگر توحید در بُعد شناختی انسان رسوخ یابد، اما بعد گرایشی و رفتاری او نشانی از توحید نداشته باشد قطعاً چنین شخصی در باور و عمل در شمار موحدان قرار نمی‌گیرد؛ همچنان که اگر در شناخت و باور و اعمال شخصی خود به اصل توحید پایبند باشد، اما در حوزه قوانین و اداره اجتماع به توحید اعتقاد نداشته باشد چنین شخصی نیز در همین بخش در شمار موحدان قرار نخواهد داشت.

وی اضافه کرد: در حوزه عمل و بُعد سوم، یک بخشی از اعمال فردی، و بخشی در حوزه اجتماع است، توحید باید در همه این زمینه‌ها حضور داشته باشد. یک موحد واقعی مانند نبی مکرم اسلام (صلوات الله علیه) را در نظر داشته باشید، ایشان هم در حوزه شناخت‌ها به عالی‌ترین مدارج توحیدی رسیده‌اند و هم در حوزه گرایش و رفتار، فردی که ادعا می‌کند خدا را شناخته است و معتقد به خدا هم می‌باشد و می‌گوید خیلی مراقب هستم که عمل خلافی را انجام ندهم، اما زمانی که در اجتماع و فعالیت شغلی خود قرار می‌گیرد طور دیگری رفتار می‌کند و حقوق مردم را رعایت نمی‌کند، نشان از آن دارد که توحید در این بُعد رفتاری او وجود ندارد و در این بُعد مهم، فرد موحدی نیست.

تولیت حرم مطهر، گفت: با این توضیحات می‌توانیم به درک دقیق‌تر سخن ذیل از امام باقر علیه السلام دست یابیم:

«عن زرارة عن أبي جعفر (ع) قال: بُنِيَ الإسلامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ، قَالَ زُرَّارَةُ: فَقُلْتُ: وَ أَيْ شَيْئٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ، لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ، وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ. ...، ثُمَّ قَالَ: ذُرُوءُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَشْيَاءِ وَ رَضَا الرَّحْمَنِ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «مَنْ يَطْعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا». أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَا يَعْرفِ وَ لَيْلَهُ وَ لَمْ يَكُنْ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ يَدِلُّ لَيْلَتِهِ إِلَيْهِ، مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ، ثُمَّ قَالَ: أَوْلَيْكَ الْمُحْسَنُ مِنْهُمْ يَدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ»

زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: اسلام بر پنج رکن بنا شده است؛ نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. زراره می‌گوید: از آن حضرت سؤال کردم: کدام یک از این پنج رکن برتر است؟ حضرت فرمود: ولایت از همه برتر است، زیرا ولایت کلید همه آنهاست و والی دلیل و راهنمای به سوی آنهاست... آنگاه فرمودند: قله و اوج دین و کلید و دروازه آن و رضایت خدای رحمن، اطاعت و فرمانبرداری از امام است بعد از شناسایی او. خداوند می‌فرماید: «هر کس پیامبر را فرمان برد خدا را فرمان برده است و هر کس پشت کند، ما ترا ننگهبان او قرار ندادیم». اگر کسی شب‌ها را به عبادت خدا بپردازد و روزها را روزه بگیرد و تمام دارائیش را صدقه دهد و تمام عمرش را حج بگذارد در حالی که ولایت ولی خدا را نشناخته تا از او تبعیت کند و اعمالش را با راهنمایی او انجام دهد، چنین کسی استحقاق هیچ ثوابی را از جانب خداوند ندارد و از اهل ایمان به‌شمار نمی‌آید. آنگاه فرمود: خدا نیکوکاران از اهل ولایت را به فضل رحمت خود وارد بهشت می‌کند. (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، صص ۳۰ و ۳۱ و ۳۲).

تولیت آستان مقدس احمدی و محمدی علیهم‌السلام، در پایان تصریح کرد: فردی که همه چیز را قبول دارد اما ولی خدا را نه شناخته و نه از او تبعیت می‌کند، این چنین فردی موحد و مومن نیست، بلکه مشرک و کافر است. البته ما بر اساس آموزه‌های قرآن و روایت بحث می‌کنیم؛ اما اینکه خداوند در قیامت با انسان‌ها چگونه رفتار می‌کند و نجات از آتش جهنم و لطف و مغفرت پروردگار چگونه می‌باشد، بحث دیگری است. در اینجا معنای کلام ما این نیست که اگر طبق این حساب و کتاب، میلیاردها انسان موحد نباشند و مشرک بودند، در قیامت همه به جهنم می‌روند، در آن روز ممکن است حساب و کتاب دیگری وجود داشته باشد و رحمت واسعه الهی شامل حال آن‌ها بشود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَلِي وَ إِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ دَنبِي»؛ اللَّهُمَّ إِنَّ كَانِ دَنبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ دَنبِي؛ اللَّهُمَّ إِنَّ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَلْبَغِ رَحْمَتَكَ فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَ تَسَعَّنِي؛ اللَّهُمَّ لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ؛ يَرْحَمُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ «خدایا البته به آمرزش تو بیشتر امیدوارم تا به عمل خود و البته رحمت تو وسیعتر از گناه من است؛ خدایا اگر چه گناه من نزد تو بزرگ است اما عفو و بخشش تو بزرگتر از گناه من است؛ خدایا اگر من لایق آن نیستم که رحمتت به من برسد، رحمت و لطف تو لایق است که به من رسا باشد و مرا فراگیرد؛ زیرا همه چیز عالم را رحمتت فرا گرفته ای خدای ارحم الراحمین».

وی اضافه کرد: خداوند متعال، همچنین در آیه ۴۷ سوره انبیاء می‌فرماید «وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ»؛ «و ما ترازوهای عدل را به روز قیامت خواهیم نهاد و هیچ ستمی به هیچ نفسی نخواهد شد و اگر عملی به قدر دانه خردلی باشد در حساب آریم و تنها علم ما برای حسابگری کفایت خواهد کرد». ترازوهای سنجش پروردگار در روز قیامت، بسیار هستند؛ یک مجموعه از این ترازوهای سنجش، بُعد شناختی، یک مجموعه، بُعد گرایشی و یک مجموعه نیز بُعد رفتاری و اعمال انسان را سنجش می‌کنند. «وَأَلْوَزُنْ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ قَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ «در آن روز، وزن کردن به حق خواهد بود. آنها که ترازوهایشان سنگین است، رستگارند».